

# معلم

## فقیر نیست!

### منش معلمی و مناعت طبع

دکتر لیلا سلیقه‌دار

معلم و جویسگر تعلیم و تربیت



معلم چه مواردی به ذهنشان می‌رسد؟ آن‌ها علاوه بر اشاره به کلماتی مانند «عشق، یادگیری، مدرسه و دوستان» و مواردی از این دست به مسائل اقتصادی معلمان هم اشاره می‌کنند.

#### درآمد، واقعیتی انکارناپذیر

معمولاً واقعیت‌های مربوط به شرایط اقتصادی هر جامعه زمینه‌ساز ایجاد فرهنگ ارزشیابی و قیمت‌گذاری حرفه‌های گوناگون می‌شود. در این شرایط، معیار درآمد تعیین‌کننده ارزش و جایگاه هر حرفه قرار می‌گیرد که در این باره نقد بسیاری وجود دارد و بدیهی است، چنین نگاهی به حرفه‌های ارزشی و فرهنگی مانند معلمی، خسارت‌هایی نیز در پی دارد. اما این تنها عامل مؤثر در ایجاد جایگاه شغلی نیست، در فرهنگ سازمانی و منش هر حرفه، رفتارهایی، گاه نوشته در دستورالعمل‌های اجرایی و گاه نانوشته و پنهان وجود دارند که می‌توانند جایگاه یک حرفه را در جامعه رشد دهند یا متزلزل کنند. به بیان دیگر، منش معلمی و رفتارهای معلمان تا حدود زیادی می‌تواند تعیین‌کننده جایگاه شغلی معلمان در جامعه باشد.

#### تجربه معلمی

چند سالی بود در محله معروفی مشغول تدریس شده بود.

#### یاد چه می‌افتید؟!

وقتی واژه معلم را می‌شنوید، یاد چه چیزهایی می‌افتید؟ کدام کلمات در ذهن شما نقش می‌بندند و چه موضوعاتی ذهنتان را درگیر می‌کنند؟ فکر می‌کنید اگر این پرسش از افراد جامعه پرسیده شود، چه می‌گویند؟ قبل از پرداختن به موضوع نوشته، ابتدا به گزاره‌های زیر توجه کنید و موقعیت خود را ارزیابی کنید.

#### شما چگونه فردی هستید؟!

\* نام معلم مرا به یاد زندگی سرشار از عشق و احترام می‌اندازد.  
\* حس می‌کنم مهم‌ترین مسئله هر شغلی درآمد است!  
\* از نظر من همه معلمان وضعیت اقتصادی و زندگی پایینی دارند.  
\* در برخی مشاغل مثل معلمی، ارزش‌ها و اثرگذاری‌هایی مهم‌تر از حقوق وجود دارند.  
پاسخ شما به هر یک از گزاره‌های بالا، نشان‌دهنده بخشی از عقاید و واکنش شما به موقعیت و جایگاه معلم در جامعه است. در هر زمینه، ابتدا پاسخ و رفتار خود را بررسی کنید و سپس با نگاه نقادانه مطالب را مطالعه کنید.

#### مردم درباره معلم می‌گویند...

فکر می‌کنید مردم و افرادی که معلم نیستند، با شنیدن کلمه



### معلم فقیر نیست

با این تعبیر، معلم فقیر نیست تا زمانی که باور کند کمبود اقتصادی فاصله زیادی با فقر اندیشه دارد و این لزوماً بدان معنا نیست که واقعیت را نبیند یا مطالبه نکند. در این شرایط، منش معلمی حکم می‌کند جایگاه حرفه‌ای خود را محافظت کند و آن را به هیچ بهایی نفروشد. اگر بناست به لحاظ قانونی تغییری رخ دهد یا مطالبه‌ای انجام شود، مسیر آن از مطالبه‌گری‌های خرد و بدنامی در میان عموم نیست.

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌نقل شده است: «اطلبوا الحوائج بَعْدَ النَّفْسِ»: خواسته‌های خود را با حفظ عزت‌نفس بخواهید (نهج‌السعادة، ج ۸: ۲۷۶).

### زندگی پول می‌خواهد

بدیهی است که سرمایه مالی و حقوق از جمله نکات اساسی در زندگی و مدیریت امور مربوط به آن هستند. به همین دلیل، معلمانی که تلاش می‌کنند پله‌های موفقیت را پشت سر بگذارند و درعین حال توان و دانش خود را به‌روز نگاه دارند، از حرفه خود به‌عنوان سرمایه مالی سهم بیشتری به دست می‌آورند.

### تجربه معلمی

برای هدایت دانش‌آموزان در تعیین رشته، به مجموعه‌ای

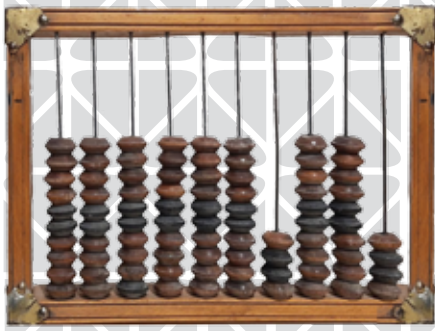
زمانی که با هم در یک مدرسه همکار بودیم، یکی از فعالیت‌های مشترکمان این بود که به خرید برویم. گاهی خریده‌های مهم خانه و خانواده و گاهی هم خرید برای مدرسه و کلاس درس بهانه‌ای می‌شدند که بازارهای خوب و فروشگاه‌های منصف را شناسایی کنیم.

یک روز تصمیم گرفتیم در محله جدید ایشان خریدی داشته باشیم. قیمت‌ها بسیار بالا بودند و امکان خرید برای ما میسر نبود. لذا به پارک محل رفتیم و کمی درباره اهمیت اقتصاد آموزش و پرورش با هم گفت‌وگو کردیم و آرزو کردیم علاوه بر ارتقای منزلت اجتماعی، مسائل معیشتی معلمان هم حل شود تا بتوانند با خیال راحت‌تری وظایف تربیتی و آموزشی خود را انجام دهند.

### فقر فرهنگی، فقر مالی

معلم اسوه و الگوی دانش‌آموزان است و بسیاری از آن‌ها زندگی‌شان را در سبک و سلوک معلمشان پیدا می‌کنند و ادامه می‌دهند. رفتار و گفتار افراد از جمله سبک زندگی آن‌هاست و بدیهی است معلم به‌عنوان اسوه، نوعی سبک زندگی را نیز زمینه‌سازی می‌کند.

در این شرایط، با وجود پذیرش وضعیت اقتصادی ناخوب، با تکیه بر اندیشه مناعت طبع و بزرگ‌منشی و نیز عزت و ارزشمندی خود و حرفه معلمی می‌توان از فقر فرهنگی و به‌دادادن جایگاه اصیل حرفه‌ای در حد و اندازه پیامبری دوری جست.



## مناعت طبع و جایگاه ارزشی حرفه معلم به رفتار معلم و واکنش‌های او در جامعه وابسته است

باور افراد با حرفه موردنظر همراهی داشته باشد، برخی معادلات از پیش فرض شده از میان می‌رود و می‌توانیم نتایج بهتری را انتظار داشته باشیم.

### شریک پایمال شدن عزت‌نفس معلم نشویم

مطالعات نشان می‌دهند، میان عزت‌نفس و فرسودگی شغلی معلمان رابطه وجود دارد. برای مثال، در فصلنامه علمی پژوهشی روان‌شناسی مدرسه و آموزشگاه (شماره ۲۴ بهمن ۱۳۹۶) مقاله‌ای پژوهشی از **ولی محمدی** منتشر شده و نتیجه این مطالعه مؤید آن است که عزت‌نفس معلمان بر فرسودگی شغلی آن‌ها تأثیر می‌گذارد و بین این دو رابطه معکوس وجود دارد. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، معلمان با عزت‌نفس بالاتر، نسبت به تجربه فرسودگی شغلی در طول دوران تدریسشان شانس کمتری داشتند و برعکس.

با این نگاه، ضروری است معلمان در مدیریت رفتارها، هم‌سو با عزت و ارزشمندی حرفه‌ای خود، قدم بردارند و از آنچه به‌نوعی با جایگاه حرفه‌ای معلم در تضاد است، پرهیز کنند.

### تجربه معلمی

مدتی در یک مدرسه مشغول به کار بودم. با شروع دوران کرونا و کم‌شدن نیروهای همکار، مدیر مدرسه تصمیم گرفت تعدادی معلم استخدام کند. یکی از همکاران جدید، معلمی حدود بیست‌ساله و دانشجوی رشته فیزیک بود. رشته تحصیلی او هیچ ارتباطی با رشته تدریسش نداشت و از آن مهم‌تر اینکه تجربه معلمی هم در سابقه او نبود. وقتی دیدم چه اشتباهات فاحشی دارد، سعی کردم در چند مورد به او کمک کنم. کم‌کم ارتباط ما بیشتر شد تا اینجا که متوجه شدم به دلیل تازه‌کاربودنش، حقوق بسیار ناچیزی به او پیشنهاد شده و او هم به دلیل نیاز دوره دانشجویی آن را پذیرفته است. این موضوع باعث شد: اول اینکه ساعت‌ها با مدیر مدرسه بحث و گفت‌وگو داشته باشم که چرا مدیر مدرسه غیردولتی، صرف اینکه اختیاراتی دارد (که البته بعد متوجه شدم از استخدام تا نوع حقوق این معلم غیرقانونی است)، باید حاضر شود فردی را با کمترین صلاحیت و آمادگی حرفه‌ای به کلاس درس بفرستد. دوم، برای حقوق پایین معلم و به‌استثمار کشیدنش در حرفه معلمی شاکمی بودم. نتیجه اینکه مدیر مدرسه مجبور شد همکار مورد نظر را در دوره‌ای آموزشی شرکت دهد و درعین حال به حقوق او هم اضافه کند. به نظر من، همین تلاش‌های کوچک و منفعل‌نبودن در برابر اتفاقاتی از این دست، بسیار کمک می‌کنند تا از سنگر معلمی حراست کنیم.

فرهنگی دعوت شده بودم. می‌دانستم حدود هشتصد ولی و دانش‌آموز پایه نهم گرد هم جمع شده‌اند تا از زبان من بشنوند چگونه رشته مناسب تحصیل را پیدا کنند.

به این منظور، مثل همیشه مطالعات نقد و دست‌اولی انجام دادم و تجربه‌هایی را جست‌وجو کردم تا بتوانم به سؤال‌هایی که می‌دانستم در چنین جمع‌هایی مطرح می‌شوند پاسخ درست بدهم. طبق تجربه‌ام، یکی از سؤالات این است که چه رشته یا رشته‌هایی درآمد بیشتری دارند؟ این پرسش به پاسخ عمیق و درعین حال درستی نیاز دارد.

یاد یکی از درس‌گروهی (سمینار)های گذشته‌ام افتادم و چشمان پرانگیزه دختری که انتخاب قطعی‌اش معلمی بود، اما نمی‌خواست درآمد کمی داشته باشد. این یادآوری مرا به‌سوی بررسی بیشتر زندگی یک معلم کلاس اولی کشاند؛ معلمی که در جلسه گزارش از یک مدرسه دولتی شناخته بودم. او عاشق حرفه‌اش بود و چنان مجذوب و غرق آن شده بود که هر سال طرحی نو و برنامه‌ای جدید پیاده می‌کرد و از این رو آوازه‌اش بسیار پیچیده بود. بسیاری از والدین تمایل داشتند برای چند جلسه محدود هم که شده است، فرزندشان کلاس درسی با این معلم را تجربه کند.

درآمد او به‌واسطه علاقه و توان بسیار او با کار آموزش به‌سادگی رو به رشد بود. این در حالی بود که نمونه دیگر من فردی از میان صنف پزشکان زیبایی بود؛ پزشکی که چند سالی از اتمام دروسش گذشته بود و به همت پدر، مطب و تجهیزات لازم را در اختیار داشت، اما در بrix از رشد حرفه‌ای او به‌واسطه نداشتن علاقه و نیز توانایی، در حرفه خود پیشرفتی نداشت و غالب بیمارانش را نیز دوستان و اقوام تشکیل می‌دادند که بعد از یک یا دو بار مراجعه، تصمیم می‌گرفتند این کار را با فرد حاذق دیگری دنبال کنند. همین مثال‌ها کافی بودند تا نشان دهم اگر استعداد، علاقه و